

نقد و همایش بین المللی

خاقانی شناسی



کامران شاه مرادیان

کارشناس ارشد ادبیات

در ارومیه

۱- مقدمه

درصد این هدف تحقق پیدا کرده بود. حضور خاقانی شناسانی از سراسر کشور موید این نظر می باشد که به عنوان نمونه می توان به دکتر عباس ماهیار و سرکار خانم دکتر معصومه معدن کن اشاره کرد.

۱-۲-۳- بالا بودن سطح علمی اکثر آثار ارائه شده:

یکی دیگر از مزایای همایش، بالا بودن سطح علمی و تازگی موضوع درصد قابل توجهی از مقالات بود. مقالات زیر نمونه هایی از این موارد محسوب می شوند:

۱-۲-۱-۳- خاقانی ساحر کیمیاگر، عنوان مقاله ای سخنران زبردست دکتر عباس ماهیار بود. دکتر ماهیار در این مقاله، بن مایه ای ساختار ایماژهای زاده ی قریحه ی موج خاقانی را آیات قرآنی، اخبار نبوی، اقوال مفسران، قصص، داستان های ملی، آداب و عادات اجتماعی، طب، نجوم و حتا بازی های کودکان برشمردند. ایشان هم چنین در سخنرانی خود بیان کردند که خاقانی هر چند طبیب نبوده است، اما مطاوی کلام او نشان می دهد که در حد پاره یی از پزشکان زمان خود از کتاب های مشهور طب سنتی آگاه بوده و احیاناً به مطالعه ی آن ها نیز پرداخته است. چون تعداد معتابیه ی از ایماژهای او بر شالوده ی مصطلحات طب سنتی استوار است و در این تصویر، اسرار مکتوم نیز برای پژوهنده باقی مانده است. ایشان تأمل در بیت زیر را وسیله ی پی بردن به این سخن عنوان کردند:

دلَم مرگ پسر عم سوخت و بر جانم زد آن آتش

که همیشه اش عرق شریان گشت و دودش روح حیوانی
۱-۲-۳- جری و تطبیق آیات در دیوان خاقانی را دکتر عباس اطمینانی از دانشگاه کردستان به عنوان مقاله و موضوع سخنرانی خود ارائه دادند. ایشان پس از بررسی دیوان خاقانی، تأویلات آن را از نوع جری و تطبیق برشمردند، مانند:

سلیمانی ست این همّت به ملک خاص درویشی

که کوس ربّ هبّ لی می زند از پیش میدانش
ربّ هبّ لی از آیه ی (۳۵ / سوره ی ص) به شیوه ی جری و تطبیق به کار برده شده است.

۱-۲-۳- دکتر سیداحمد پارسا از دانشگاه کردستان، خلاصه یی از مقاله ی خود را تحت عنوان «سبک شناسی هجویات خاقانی» ارائه

انکون از کاخ های باشکوه شاهان و امپراتوران جز ویرانه هایی اندک، چیزی باقی نمانده است؛ ویرانه هایی که بیش تر مایه ی عبرتند تا نازش و مباهات؛ اما کاخ اندیشه ی والای سرایندگان و ادیبان ما که در نوشته های خود برای ما باقی گذاشته اند، هم چنان سترگ و سرفراز در برابر دیدگان ما خودنمایی می کند. نام و اندیشه ی این نامداران عرصه ی ادب و فرهنگ، نام ایرانی را در جهان بلندآوازه کرده است. در این راستا دانشگاه ارومیه با همکاری استانداری آذربایجان غربی، اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن مفاخر استان، جهاد دانشگاهی و چند اداره ی دیگر در تاریخ چهارم و پنجم خردادماه ۱۳۸۴ همایشی با شرکت جمعی از استادان، علاقه مندان و خاقانی پژوهان برپا کرد. امید است این گونه بررسی ها در بهبود کمی و کیفی هر چه بهتر این گونه همایش ها مفید واقع گردد.

۲- گزارشی کوتاه از برگزاری همایش

همایش در مجتمع فرهنگی و هنری ارومیه در سه تالار مجزا به نام های شمس، اندیشه و دانش به طور همزمان برگزار شد. البته صبح چهارشنبه ۸۳/۳/۴ افتتاحیه و سخنرانی ها از ساعت ۸/۳۰ صبح تا ۱۲/۳۰ ظهر در تالار شمس دو نشست برگزار شد. اما بعدازظهر، آن روز به طور نشست چهار نفر از اساتید به عنوان هیأت رئیسه حضور داشتند و برابر زمان بندی اعلام شده، سخنرانان مقالات خود را ارائه می دادند. صبح پنجشنبه ۸۴/۳/۵ هم از ساعت ۸/۳۰ تا ساعت ۱۲ طی دو نشست در تالار شمس مقالاتی ارائه شد. در مجموع ۱۰ نشست، حدود ۶۵ سخنرانی با حضور جمع کثیری از علاقه مندان در تالارهای مذکور برگزار شد. لازم به ذکر است در بین نشست ها از اساتید و سخنرانان پذیرایی به عمل آمد.

۳- نقد و بررسی همایش

۱-۳- نقاط قوت:

۱-۱-۳- شناخت بهتر افکار و آثار خاقانی

از آن جا که هدف اصلی چنین همایشی، پرداختن به اندیشه های شاعر توانمند خاقانی بود، به صراحت می توان گفت نزدیک به هشتاد

کردند که به اعتقاد نگارنده برترین مقاله و سخنرانی ارائه شده در آن همایش بود. دکتر پارسا در مقدمه‌ی سخنرانی خود، هجو را از فروغ ادب غنایی برشمردند و هجو و فخر را از جهاتی دو روی یک سکه عنوان کردند. ایشان پس از تعریف هجو به لحاظ لغوی و اصطلاحی، تفاوت آن را با هزل و طنز بیان کردند و سپس به سبک‌شناسی هجویات خاقانی در حیطه‌های واژگانی، ادبی و معنایی پرداختند و در نتیجه‌گیری از سخنرانی خود، از خاقانی به‌عنوان استاد مخاطب‌شناس یاد کردند، هم‌چنین هجویات خاقانی را از دیدگاه ساختارگرایان در یک تقابل دو گانه قابل بررسی برشمردند و یادآوری کردند که «خاقانی با انتساب صفات نیکو به خود و سلب آن‌ها از حریفان و بی‌ارزش جلوه‌دادن اشعار آنان، به هجو آنان می‌پردازد» مانند:

مشتی خسیس ریزه که اهل سخن نیند

با من قران کنند و قرینان من نیند
۳-۲-۱-۴- نگاه‌ی به سیر اختران در دیوان خاقانی، عنوان مقاله‌ی دکتر محمدعلی خالدیان بود. ره‌آورد این مدرس خوش‌نام از دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، دربردارنده‌ی مقدمه‌ی مفصل در باب احکام نجوم بود و به سیر اختران در اشعار و ابیات خاقانی بسیار اندیشمندانه در سخنرانی پرداختند و استادی خاقانی را در به‌کارگیری اختران در اشعار خود، یادآوری کردند مانند:

موکب شاه اختران رخت به کاخ مشتری

شش مهه داده ده نهش قصر دوازده دری
۳-۲-۱-۵- دکتر کاووس حسن‌لی از دانشگاه شیراز سخنرانی خود را با عنوان رفتار خاقانی با ساخته‌های خیال خود اجرا کردند و در آن به بررسی جنبه‌های مختلف روانی و رفتاری خاقانی و پیوند آن‌ها با خیال وی پرداختند.

۳-۱-۳- چاپ جلد اول مجموعه مقالات همایش

دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۷۶ همایشی تحت عنوان سبک آذربایجانی برگزار کرد که مجموعه‌ی مقالات آن در سال ۸۳ (بعد از هفت سال انتظار) به چاپ رسید. با در نظر گرفتن این مطلب اهمیت چاپ اولین جلد مجموعه مقالات همایش خاقانی‌شناسی هم‌زمان با برگزاری همایش از نقاط قوت آن به‌شمار می‌رود.
۳-۱-۴- ارائه‌ی نزدیک به ۶۵ مقاله در یک روز و نیم در یک همایش یکی دیگر از نقاط قوت به‌شمار می‌رود.

۳-۲-۲- کاستی‌ها و نقاط ضعف همایش

۳-۲-۱- با توجه به این که هدف از برگزاری چنین همایش‌هایی، تنها ارائه‌ی مقالات از سوی سخنرانان نیست بلکه ضمن بزرگداشت شخصیت مورد نظر، رویارویی با مخاطبان و جلب‌خاطر علاقه‌مندان و دانشجویان، از اهم اهداف این‌گونه برنامه‌هاست، ارائه‌ی سخنرانی‌ها در سه تالار مجزا به‌طور هم‌زمان به‌دلیل هم‌محور قرارندادن آن مباحث، این فرصت را از علاقه‌مندان گرفته بود که همه یا اکثر مقالات مورد علاقه‌ی خود را دنبال کنند و به ناچار بایست تعدادی از مقالات مورد نظر خود را انتخاب نموده و در سالن‌های مختلف پی‌گیری می‌کردند و همین امر سبب شد که در نشست دوم یعنی بعدازظهر روز چهارشنبه ۸۳/۳/۴، ازدحام نشست اول تالار شمس به پراکندگی علاقه‌مندان منجر شده و جذابیت نشست اول همان روز از بین برود و اندیشمندان محترم، مقالات و سخنرانی‌های خود را در مقابل کم‌ترین مخاطب ارائه دهند و این یکی از نقاط ضعف عمده‌ی این

همایش به‌شمار می‌رود، زیرا به قول صائب تبریزی:

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد

غنچه‌ی خاموش بلبل را به گفتار آورد

از آن‌جا که تعداد شنوندگان گاهی در بعضی از تالارهای برای ارائه سخنرانی‌ها از انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد، شور و شوق جمع کثیری از سخنرانان به حداقل رسید، به‌طوری که در نشست‌های پایانی تعدادی از سخنرانان از ارائه‌ی مقاله‌ی خود منصرف شدند، یا در نصف زمان تعیین شده، خلاصه می‌کردند و این در حالی بود که صبح چهارشنبه در تالار شمس، اغلب سخنرانان به اصرار روسای جلسه و طی تذکرات آنان در وقت اضافی مقالات خود را جمع‌بندی و از آن نتیجه‌گیری می‌کردند.

۳-۲-۲- تعداد مقالات برگزیده (۷۲ مقاله) در آن زمان محدود،

رقم بسیار بالایی بود که زمانی به مراتب بیش‌تر از دو روز جواب‌گوی ارائه‌ی کامل آن مقالات می‌شد؛ همین امر سبب شد که در تعدادی از سخنرانی‌های جذاب، سخنرانان در مدت محدود (۱۵ دقیقه) نتوانستند بر وفق مراد خود سخنرانی کنند. در این‌جا عین اعتراض دکتر عباس ماهیار را ذکر می‌کنیم:

«ای کاش به جای ارائه‌ی ۷۲ مقاله، به بررسی کامل ۱۰ الی ۱۵ مقاله آن هم در یک تالار می‌پرداختیم و با تشکیل میزگردهای کناری در حاشیه‌ی همایش، مباحث مفیدی عنوان می‌شد، چرا که اگر از ۱۰ الی ۱۵ مقاله‌ی برتر به نحو احسن نتیجه‌گیری می‌شد، به مراتب بهتر از ارائه‌ی آن همه مقاله‌ی ناتمام به‌طور پراکنده نتیجه می‌گرفتیم».

۳-۲-۳- گزینش مقالاتی با محتوای مشترک و تکراری عاملی دیگر برای ایجاد خستگی حاضرین در سالن‌های همایش بود. برخی از مقالات در عنوان و محتوا با الفاظی متفاوت یک هدف واحد داشتند و این امر از دیگر امتیازات منفی همایش به‌شمار می‌رفت. به‌عنوان مثال شش مقاله‌ی منتخب به تأثیر آیات و احادیث در دیوان خاقانی می‌پرداخت.

۳-۲-۴- حدود بیست نفر از ادبا و نویسندگان آذربایجان شوروی در همایش شرکت داشتند که تنها هفت نفر جزو سخنرانان بودند و بقیه به‌عنوان هیات همراه دعوت شده بودند. بدیهی‌ست دعوت از اندیشمندان کشورهای دیگر چنان‌چه اصولی و با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب صورت نگیرد، موجبات تحمیل هزینه‌های سنگینی را برای همایش فراهم خواهد کرد، به‌طوری که در این همایش به علت تأمین هزینه‌های اسکان، پذیرایی و ایاب و ذهاب این بزرگواران امکان دعوت تعداد زیادی از سخنرانان داخلی بویژه استادان شهرستان‌ها و استان‌های هم‌جوار به حداقل رسیده بود و می‌توان گفت این عزیزان، هزینه‌ی ایاب و ذهاب و حتا تهیه‌ی جلد اول مجموعه مقالات همایش را شخصاً پرداخت کردند!

۳-۲-۵- هر چند بزرگان ادبی آذربایجان شوروی از نقاط قوت

همایش معرفی شد، اما قاطعانه اعلام می‌دارد که چنین حضوری «عدمش به ز وجود!» زیرا اولاً، آن‌ها فقط به زبان ترکی صحبت می‌کردند و به‌نظر می‌رسید یکی از عوامل دعوت این افراد، زبان مشترک آنان با دانشگاه میزبان بود؛ ثانیاً، بیش‌تر مطالب ارائه شده‌ی آنان در حد بسیار ضعیف و حتا ابتدایی بود؛ ثالثاً، اغلب سخنران‌ها فاقد ترجمه‌ی فارسی بود و همین امر برای کسانی که با زبان آذری آشنایی نداشتند، کسل‌کننده بود؛ رابعاً، آیا بهتر نبود به‌جای بیست نفر از یک

خاقانی

در مقبرة الشعراء تبریز

دکتر محمدرضا بیگدلی

خاقانی در تبریز وفات کرد و در کوی سرخاب دفن شد. در این مقبره، افراد مشهوری از علما و فقها و صوفیه به خاک سپرده شدند و از مقابر معروف آنجا بقعه‌ی سید حمزه و میرزا عیسی قائم مقام و مقبره یا حظیره‌ی باباحسن است که کنار مقبره‌الشعراء قرار دارند که این مقبره از حوالی سیدحمزه شروع شده تا مزار بابا حسن به طرف شمال می‌رفته است.

اما نام مقبره‌الشعراء تا پیش از قرن هشتم هجری قمری در کتب تواریخ و تذکره نیامده و درباره‌ی شاعرانی که تا آن زمان در آنجا دفن شده‌اند، نوشته‌اند که در کوی سرخاب مدفون‌اند و از قرن ششم که شاعرانی معروف چون خاقانی و ظهیر در آنجا دفن شده‌اند این مقبره شهرت بیش‌تری یافته و از قرن دهم به بعد همه‌ی کتب به نام «مقبره‌الشعراء» اشاره کرده‌اند.

به مناسبت زلزله‌های پیاپی در شهر تبریز مخصوصاً در سال‌های ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴ هـ. ق. مقابر شاعران به کلی ویران شده و از بین رفته و اثری از آن‌ها برجای نمانده، به این جهت قرار شد بنای یادبودی به نام آن شاعران در محل مقبره‌الشعراء ساخته شود که ساختمان این بنای عظیم، آغاز و به اتمام رسیده است.

نخستین شاعری که در آنجا دفن شده، اسدی طوسی (متوفی ۴۶۵ هـ. ق.) است. پس دفن شاعران در آن گورستان و در محله‌ی سرخاب از قرن پنجم هجری قمری آغاز شده و گفتیم که تا قرن هشتم از مقبره‌الشعراء به صورت خاص نام نبرده و فقط نوشته‌اند که در گورستان سرخاب دفن شده است. پس از اسدی طوسی دوازده شاعر دیگر تا قرن دهم در مقبره‌الشعراء دفن شده‌اند که به ترتیب عبارتند از:

قطران تبریزی (متوفی بعد از ۴۶۵ هـ. ق.)، خاقانی شروانی (متوفی ۵۹۵ هـ. ق.)، ظهیرالدین فاریابی (متوفی ۵۹۸ هـ. ق.)، شمس‌الدین سحابی (متوفی حدود ۶۰۲ هـ. ق.)، مجیرالدین بیلقانی (متوفی ۵۸۶ هـ. ق.)، ذوالفقار شروانی (متوفی ۶۸۹ هـ. ق.)، همام تبریزی (متوفی ۷۱۴ هـ. ق.)، مغربی تبریزی (متوفی ۸۰۹ هـ. ق.)، مانی شیرازی (مقتول به سال ۹۱۳ یا ۹۱۴ هـ. ق.)، لسانی شیرازی (متوفی ۹۴۰ یا ۹۴۱ هـ. ق.)، شکیبی تبریزی (متوفی ۹۰۱ هـ. ق.) که آخرین شاعر مدفون در مقبره‌الشعراء تا قرن دهم هجری است. بنابراین سیزده شاعر در آن خاک پاک مدفون شده‌اند. اینک شهریار چهاردهمین شاعر سخنوری است که در آنجا مدفون شده است و روی در نقاب خاک کشیده، و خاک بر آن بزرگ خوش باد.

کشور، به دو سه نفر اکتفا می‌شد و به جای آن، خاقانی‌شناسانی از دیگر کشورهای جهان نیز دعوت می‌شدند؟ دعوت این افراد این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که جز در کشور آذربایجان در هیچ کشور دیگری افراد خاقانی‌شناس وجود ندارد؛ خامساً آیا بهتر نبود بخشی از هزینه‌ی اسکان، پذیرایی و ایاب و ذهاب این بیست نفر صرف اهدای یک جلد مجموعه مقالات به کسانی می‌شد که مقاله‌های آن‌ها چاپ شده بود؟!

۳-۲-۶- مشکل دیگر، تفاوت و تبعیض بین افراد دانشگاه‌های دور و نزدیک بود. در حالی که برای اکثر افراد بلیط رفت و برگشت خطوط هوایی تهیه و تدارک دیده شده بود، استادان برجسته‌ی دانشگاه‌های کوچک به بهانه‌ی نزدیکی راه از هرگونه تسهیلاتی در امر ایاب و ذهاب محروم شده بودند، در حالی که هزینه‌ی تمام این افراد به اندازه‌ی بلیط دوسره‌ی هواپیمای دو نفر نمی‌شد و این در حالی بود که مقالات این افراد از بهترین مقالات ارائه شده بود؛ مسلماً این‌گونه برخوردها، حضور این افراد را در نشست‌ها و همایش‌های دیگر بسیار کم‌رنگ‌تر خواهد کرد.

۴- نتیجه گیری

بررسی دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان پیرامون گنجینه‌های علمی - ادبی در سراسر دنیا پی‌گیری می‌شود و در خصوص بزرگداشت مفاخر گذشته، گوشه‌ی از دین‌ها ادا می‌شود، کمالین که همایش خاقانی به همین مناسبت تدارک دیده شده و انصافاً صرف نظر از نقاط قوت و ضعف آن، در نوع خود کم‌نظیر بود. اما به هر حال باید پذیرفت که لازم است از منظری به همراه یادآوری نقاط قوت و سعی در تقویت آن برای آینده، گام‌های برداریم، اما فراموش نکنیم که مرغ همسایه غاز نیست و لازم است بدانیم: «هرگز نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». خلاصه این همایش با همه‌ی نقاط قوت و ضعفی که داشت، بسیار عالی بود و نگارنده در پایان از تمام سخنرانان و علاقه‌مندان و مجریان صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و ضمن عذرخواهی از مجریان تلاشگر، تحفه‌ی خود را - که برگ سبزی بیش نیست - تقدیم می‌نماید. ■

با اندوه بسیار، درگذشت دوست ارجمند، با فضیلت و متدین شادروان حسین یوسفی از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه بازنشسته‌ی وزارت دارایی و ریاست هیأت مدیره‌ی انجمن همدانی‌های مقیم مرکز و نماینده‌ی اسبق مجلس شورای ملی از همدان را به همسر گرامی و فرزندان ارجمند و جمیع بازماندگان محترم تسلیت عرض می‌کنیم.

حسن امین - عبدالعلی دهستانی - محمدعلی رفعت‌جاه
حسن رهبر - رحیم زهتاب‌فرد - علی‌اکبر سبجانی
رضا سجادی - یحیی صادق‌وزیری - علی‌اکبر صادقی
عبدالحسین طباطبایی - فضل‌الله کاسمی - محمد مشایخ
فضل‌الله معتمدی - حسین نجفی - قاسم نیلی - مسعود
هدایت - حبیب‌الله هدایت